

۲۹

۴۸ سال

۱۹۸۸-۱۹۹۱

برو و خانم عزیز
 در این روزها با سلام گرم به شما و آثار جلال حق تعالی که بر ما فرستاده و عذره
 که در دلتان رنجام بدم. بچشم که انقدر درسته. چه با که
 خودتان هم از یاد نبرده باشید که نزدیکی ما را در باره
 زندگی ما از تنگ آنرا آوار خوانده اید و حق هم دارید که بچنانچه
 اصل اثر به زبان رسد است که البته پیش ازین آن لغات است
 که در لندن ~~نخواستارم~~ و دستگیر ما در دست مخصوص از آن ما
 آن روز است است که خوش و خوش ما ترجمه کردم ^{صنیدام میخورد} از آن ما که میخورد
 در ماه گذشته به نداشت چهلین سال درگذشت
 رساند به آن لغات در لندن در دست ما که سر را از نوار
 برتر کردم. عکس تا مگر که دارم لغاتش که زنده و ضعیف
 نزدیک و خوب شده است به دلار او نخیم و منی بسیار
 جانب دیگر آنها در قسم. شترانی در نوار ضبط شده
 که قرار است چند جلد بیان کنند و به چاپ برسانند.
 واقعاً خوشم می توانند به بدر ^{نزدیک آن} و ما به شاعر
 نزدیک مان افتخار کنم.
 لطفاً رسید این نامه در ماه رایبه (اسلام) ام برساند چون نماد ام
 نشان آن محض من باشد. (بیدوارم شما با همه محرم آن
 و لایحه لغات و لغات آن مان بوف و شکرمان باشد
 این هم آخرین رسوم برای ما بار - ^{پاره} ^{دوستی} ^{عزیز}